

## منع استفاده از حق انرژی هسته ای ، نشانگر انقلابی گری یا " چپ روی " کودکانه از اصول؟

پیرامون عدم استفاده از حق انرژی هسته ای توسط رژیم اسلامی ایران و اینکه این " حق " نباید بخاطر ضد انسانی بودن این رژیم شامل حالش گردد ، بوفور سخن رفته است . عده ای موضع گیری علیه فناوری هسته ای را نشانگر انقلابی گری تصور می کنند و مخالفین را تلویحاً به دفاع از رژیم منتسب می گردانند .

" حق " استفاده مسالمت آمیز از انرژی هسته ای مانند هر حقی و از جمله برخورداری از حق " آزادی بیان " ، " دموکراسی " ، " حقوق بشر " و ... ، از حقوق پایه ای است که بشریت مترقی و زحمتکش در طول اعصار تاریخ جهت دستیابی به آن دریانی از خون نثار کرده و نمی توان بسهولة تحت عناوین صوری و غیر واقعی بر آن چشم فرو بست و گذاشت " قانون " بدتر از جنگل وحش بر دنیا حاکم باشد .

جالب توجه است که این نقض آشکار حق صلح آمیز برخورداری از انرژی اتمی از جانب دولی چون آمریکا و اسرائیل برای پاره ای از دولت ها عزل و نصب می گردد که خود از جنایتکارترین-چپاولگرترین- نژاد پرست ترین- فاشیستی مذهبی ترین- بزرگترین دارندگان سلاحهای مخوف اتمی ، رژیم های تاریخ بوده و عامل اصلی سیاهی و تباهی موجود در جهان کنونی می باشند . گفته می شود چون رژیم اسلامی ایران ، رژیم قرون وسطایی- سرکوبگر- غارتگر- و بغایت ضد دموکراتیک می باشد که هست ، حق استفاده از انرژی اتمی را ندارد چراکه قصد دارد با استفاده از فناوری هسته ای جهت پیشبرد مقاصد شوم ارتجاعی پان اسلامیت اش به بمب اتمی دست یابد و صلح جهانی را در معرض خطر حتمی قرار دهد . گویا هزاران بمب اتمی انبار شده در زرادخانه های دولتهای بورژوا- امپریالیستی با سابق جنایتکارانه در هیروشیما- ناکازاکی- ویتنام- افغانستان- عراق و ... ، برای صلح جهانی بی خطر می باشد .

گفته می شود چون نمونه فاجعه چرنوبیل را در تاریخ بشری در پیش روی داریم پس نباید بر حق استفاده مسالمت آمیز از انرژی هسته ای پا فشاری نمود و باید از آن بخاطر خطر آفرینی اش در گذشت . گویا وجود صدها نیروگاههای اتمی در جهان که فقط 112 آن در آمریکا مورد بهره برداری است و حدوداً 20 در صد برق جهان کنونی از آن تامین می گردد نباید بعنوان قاعده مورد تجربه بشر قرار گیرد ، بلکه برعکس نمونه منفی و استثنائی چرنوبیل ملاک قضاوت و درس آموزی است . گویا چون واژه های پر ارزش " آزادی " ، " دموکراسی " و ... توسط ابر جنایتکاران صهیونیستی آمریکائی- اسرائیلی وارونه گردیده است ، نیروهای انقلابی مجاز به مبارزه جهت تحقق این دستاوردهای درخشان زحمتکشان نمی باشند . گویا هدف رژیم در انکار هولوکاست توسط احمدی نژاد از برانگیختن احساسات ضد یهودی باید ما را از مبارز نسبت به سیاست های نژاد پرستانه- جنایتکارانه- تجاوزگرانه و فاشیستی مذهبی صهیونیستهای اسرائیلی علیه خلق های عرب و بویژه خلق فلسطین باز دارد . گویا نسل کشی فلسطینیان توسط صهیونیستهای اسرائیلی بمنابۀ هولوکاست آن روی دیگر سکه نمی باشد که با بیشرمی غیر قابل وصفی از طرف امپریالیستها بویژه آمریکا انکار می گردد .

گفته می شود چون ایران کشوری سرشار از منابع نفتی است و می تواند انرژی مورد احتیاج خویش را تامین کند بنابراین نیازی به دستیابی به فناوری اتمی که خطر آفرین است ندارد و باید تا اتمام منابع فسیلی اش صبر کند ، آنوقت بقیمت اسارت هرچه بیشتر کشور می تواند این ماده حیات بخش را در اختیار داشته باشد .

گفته می شود چون ایران دارای رژیم ضد دموکراتیکی می باشد بهتر است بجای احداث نیروگاه هسته ای که مستلزم میلیاردها دلار هزینه است ، خواسته های دموکراتیک مردم را با هزینه بمراتب کمتری محقق گرداند . گویا اگر رژیم غارتگر سرمایه داری اسلامی از احداث نیروگاه اتمی صرفه نظر کند ، خواسته های دموکراتیک توده ها تحقق پذیر خواهد شد . گویا رژیم بعد از سرنگونی ،

نیروگاه اتمی را در چمدان پیچیده و با خود به مکان نا معلوم و غیر قابل دسترس می برد . و استدلال های این چنین مشابه ای بکار گرفته می شود تا ثابت کنند کشور ایران حق استفاده از فناوری هسته ای را نباید دارا باشد . در واقع منتقدان منع استفاده از انرژی هسته ای توسط ایران تلویحاً بر دلایلی تاکید دارند که عمدتاً از طرف امپریالیستها و صهیونیستهای اسرائیلی ابراز می گردد .

و اما بر چه اساسی باید از این " حق " مسلم تمام کشورها در استفاده ی صلح آمیز انرژی هسته ای دفاع نمود . دلایل ما چنین است :

1- این " حق " جدا از ماهیت دولت ها ( مترقی یا ارتجاعی ) ، حقی است مشروع که تمامی دول می توانند از آن برخوردار گردند . این " حق " مانند هر حقی و از جمله حق دفاع مقاومت فلسطین ، لبنان ، عراق و ... در مقابل تجاوزگران امپریالیستی و صهیونیستی ، حقی عادلانه- مترقی-

مشروع و انسانی است . همانگونه که حق دفاع جنبش آزادی بخش هیچ ربطی به ایدئولوژی و اهداف نیروهای شرکت کننده مقاومت در شرایط قوای تجاوزگر به سرزمینش ندارد ، حق استفاده از انرژی هسته ای هم نیز هیچ ربطی به ماهیت دولت ها ندارد . در غیر این صورت منتقدان باید ثابت کنند که ماهیت دول برخوردار از انرژی هسته ای انقلابی اند و نه ارتجاعی .

در واقع بیان عادلانه- مترقی و آزادی بخش دفاع مقاومت در شرایط قوای متجاوز به هیچ عنوان بمعنی تائید ایدئولوژی عناصر شرکت کننده نهضت مقاومت نمی باشد و نخواهد بود . همانطوری که دفاع راستین کمونیستها و نیروهای آزادیخواها از مقاومت مردم لبنان ، فلسطین و عراق علیه متجاوزان صهیونیستی و امپریالیستی کوچکترین تردیدی در ماهیت ارتجاعی ایدئولوژی اسلامی آنان ایجاد نکرده و نخواهد کرد .

در مبارزه طبقاتی ندیدن تفاوت بین سیاست و ایدئولوژی و تقدم قائل بودن عنصر ایدئولوژی بر سیاست بمعنی تخطی از اصول مارکسیسم است . تخطی از اصول جهان شمول مارکسیستی ای است که با برخوردهای " چپ روانه " از محتوی تهی می گردد و کار را بجایی می رساند که ؛ اشغالگر و اشغال شونده- ستمگر و ستمکش همتراز می گردد و " حق " عادلانه مقاومت در دفاع از حق حیات- در دفاع از حق داشتن خانه و کاشانه- در حق دفاع از سرزمین خویش- در حق دفاع از هستی اش ، مترادف با هدف عناصر شرکت کننده مقاومت ( با ایدئولوژی مذهبی ) در نظر گرفته می شود ، و " چپ روانه " حکم " نامشروع " بودن و " غیر عادلانه " بودن مقاومت صادر می گردد . بدین ترتیب آگاهانه و یا نا آگاهانه در همان راهی قرار خواهیم گذاشت که رسانه های امپریالیستی و صهیونیستی با هزینه میلیونها دلار بدنبالش می باشند . متأسفانه این روزها اسلام ستیزی که تقدم ایدئولوژی بر سیاست است ، مد روز شده و همه پدیده های موجود و پیچیده جهان کنونی از جمله " حق " استفاده از انرژی هسته ای هم تنها از دریچه فقط مذهب اسلام و نه دیگر مذاهب ( یهودیت- مسیحیت ) نگریسته می شود . امری را که بسیاری از تحلیلگران سیاسی خارج از کشور قادر به دیدن آن نیستند . در حالی که این مهم توسط مبارزات دانشجویان انقلابی این شاخکهای حساس جنبش های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه در برگزاری با شکوه سالروز 16 آذر 85 با طرح شعار " هر گونه دخالت خارجی در تعیین سرنوشت مردم ایران محکوم است " بدرستی بر آن تاکید گردید که ؛ مبارزه علیه استبداد رژیم ضد انسانی اسلامی جدا از مبارزه علیه امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا نمی باشد .

2- بر اساس تحقیقات و پژوهش های علمی ، منابع نفتی انرژی کنونی بی پایان نیست و روزی به اتمام خواهد رسید . از هنگامی که دانشمندان آلمانی در سال 1939 دریافتند که با شکافتن هسته های اتم اورانیوم می توان به انرژی سرشاری دست یافت بطوریکه انرژی حاصل از نیم کیلو اورانیوم برابر با انرژی حاصل از سوخت 1500 کیلو ذغال سنگ می باشد ، با توجه به افزایش روز افزون جهان به انرژی- با توجه به نیاز مبرم انسانها به این ماده حیاتی که می باید بزودی جایگزین منابع فسیلی گردد ، فناوری انرژی هسته ای امری اجتناب نا پذیر و در دستور کار دول پیشرفته قرار گرفت . صدها نیروگاههای هسته ای احداث شد و پروژه صدها نیروگاه دیگر در دست

اجراست. بدین طریق دارندگان تکنولوژی هسته ای بابت بنای نیروگاهها و سوخت هسته ای مبالغ افسانه ای هنگفتی به جیب می زنند.

دقیقا بر پایه این ارزیابی علمی بود که ایالات متحده آمریکا که از قضا از منابع نفتی و گازی سرشاری برخوردار است از 50 سال پیش با احداث نیروگاههای هسته ای و بهره برداری از آن کوشید هم در صورت کمبود و نایاب شدن انرژی حاصل از منابع نفتی قادر به تامین منابع انرژی جایگزین مورد نیاز خویش باشد، و همچنین با انحصار این ماده حیات بخش بتواند بر احوالی سیاستهای استعماری و استثماری خویش را چون گذشته بر میلیاردها بشریت تحت ستم دیکته گرداند.

انرژی هسته ای بعنوان انحصار عام و سوخته هسته ای بعنوان انحصار خاص، همان آپارتاید هسته ای است که چون اهرم انحصاری قدرتمند توسط کشورهای دارندگان این تکنولوژی جهت انقیاد دیگر کشورهای جهان بکار گرفته خواهد شد. امپریالیسم و بویژه آمریکا در تلاش است با در دست داشتن اهرم انحصار تکنولوژی نوین و مدرن انرژی هسته ای چون گذشته گلوگاه ممالک کمتر رشد یافته را در اختیار خود داشته باشد.

در واقع انحصار فناوری هسته ای برای آمریکا بهمان اندازه مهم و ضروری است که با هدف بوجود آوردن " خاورمیانه جدید " در راستای فرماتروانی بلامنازع بر جهان، بربرمنشانه به افغانستان و عراق لشکر کشی نمود. البته علیرغم جنایات الترا ضد انسانی بی پایانش بخاطر مقاومت عادلانه و مشروع مردم این کشورها چون خر رحل در باتلاق عراق زمین گیر گشته و در تلاش است بصورت " آبرومندانه " ای با تو سری، قوای آدمکشان حرفه ای اش را از عراق خارج نماید.

3- طبق آخرین تحقیقات و پژوهش های علمی، دانشمندان علوم زیست شناسی خبر دادند: 32 سال دیگر یخ های قطب منجمد اقیانوس شمالی ذوب می گردد و تعدادی از کشورها به زیر آب قرار خواهند گرفت. یکی از دلایل عمده ذوب شدن زود هنگام یخ های قطب منجمد اقیانوس شمالی افزایش بیش از حد گازهای گلخانه ای ناشی از سوخت انرژی فسیلی معلق در فضا اعلام گشته است.

دانشمندان بدنبال آخرین تحقیقات هشدار داده اند که اگر از بروز این گازها جلوگیری جدی بعمل نیاید، زندگی انسانهای کشورهایهایی که در میسر آبهای ذوب شده این کوههای یخی قرار دارند از جمله کانادا در مخاطره حتمی قرار خواهد گرفت. یکی از راههای موثر در کاهش دادن این گازها رادسترسی دول به انرژی پاک هسته ای اعلان نموده اند.

هم اکنون بر اساس آخرین قرارداد مابین 6 کشور بزرگ و پیشرفته صنعتی جهان؛ آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه، روسیه، چین، عظیم ترین پروژه نسل سوم نیروگاههای جوش هسته ای در کشور فرانسه احداث خواهد گردید. کشورهای پیشرفته جهان در حالی بیپای احداث نسل سوم این نیروگاه فوق مدرن می روند که هر کدام تجربه دو نسل از نیروگاههای هسته ای را پشت سر گذاشته و هم اکنون قرارداد ساخت این نیروگاهها را در دیگر کشورهای جهان در دست اجرا دارند تا در آینده از طریق انحصار این ماده حیات بخش گلوگاه کشورهای در حال رشد را در دست داشته باشند. در واقع خبر احداث نسل سوم نیروگاههای مافوق مدرن، آن اهرم اقتصادی خواهد بود که توسط آن سیاست های استعماری و استثماری امپریالیستها علیه میلیاردها از اهالی جهان تحمیل خواهد شد. پروژه احداث نیروگاههای تولید کننده انرژی پاک و ارزان، پروژه ای است که بزودی در مقابل پروژه انرژی فسیلی قرار خواهد گرفت تا در این عرصه هم امپریالیستها دست بالا را جهت دیکته کردن احکام و قوانین غارتگرانه در دست داشته باشند.

البته باید توجه داشت تکیه بر پاک بودن این انرژی توسط دانشمندان بورژوازی نه در جهت سلامت محیط زیست و انسانها، بلکه بمنظور طول عمر هرچه بیشتر نظامات انحصارات سرمایه داری جهت کسب سود حداکثر می باشد. تکیه بر ارزن بودن این انرژی هم نیز نه در جهت مصالح

بشریت ، بلکه بمنظور افزایش سود هرچه بیشتر انحصارات سرمایه داری است . چراکه بشریت زحمتکش را از امام زاده سرمایه داری خیری نیست .

دیگر از کاربردهای فناوری هسته ای در عرصه های پزشکی ، کشاورزی ، صنعت ، خدمات اجتماعی و ... که می تواند در خدمت رفاه هرچه بیشتر انسانها قرار گیرد سخن نمی گوئیم . فقط بخاطر اهمیت پیشرفت های دانش بشری که تا کنون توانسته است خدمات ارزشمندی را ارائه دهد کافی است بدانیم که در جهان کنونی در بخش آسیایی- آفریقایی یعنی در جاهایی که از رشد کمتری برخوردار بوده اند ، در هر دقیقه یک زن بار دار جان خود را از دست می دهد . این امر در حالی است که در کشورهای پیشرفته از هر 3000 نفر زن بار دار فقط یک نفر جانش در معرض خطر جدی قرار دارد .

4- اینکه رژیم فاشیستی مذهبی ایران رژیمی بغایت ضد انسانی است و باید توسط توده های رنج و کار قهراً سرنگون گردد ، هیچ گونه شک و تردیدی در آن نیست . ولی همین رژیم بربر را نمی توان از حق استفاده از انرژی هسته ای بدلائل عدیده فوق محروم نمود . چراکه ؛

اولاً رژیم بر اساس ماهیت استثمارگرانه اش رژیمی است غارتگر که جز به پر کردن جیب های هرگز پر نشدنی دولت سرمایه دارانه- اعوان و انصار و آقا زاده های پر اشتهاش که به کمتر از 100 ها میلیون دلار قانع نیستند ، به چیز دیگری نمی اندیشد . اگر قرار باشد این رژیم هزینه های صدها میلیارد دلاری مخارج نیروگاههای هسته اش را پرداخت نکند ، جداً آیا بنظر منتقدان منع استفاده از نیروی هسته ای این " مبلغ " در جهت منافع و مصالح مردم بکار خواهد رفت و یا چون همیشه بحسابهای سران مفتخور مملکتی و آقا زاده هایشان سرا زیر خواهد شد ؟؟؟!!! تصور نمیکنید در این صورت حداقل بهتر خواهد بود بخشی از این غارتگری رژیم بجای قرار گرفتن در گاو صندوقها و حسابهای جاری ، به صورت نیروگاههای اتمی که حتما در آینده مورد احتیاج جامعه خواهد بود ، باقی بماند ؟

دوماً اصرار بر منع استفاده رژیم بدلائل ذکر شده ، گذشته از اینکه در همخوانی با خواسته های امپریالیستها و صهیونیستها قرار دارد آن سلاح قدرتمند و عوافریبانه ای است تا رژیم قادر گردد با مشکلات کمتری هرگونه جنبش های آزادیخواهانه و حق طلبانه مردم را تحت لوای طرفداران " امپریالیسم " و " صهیونیسم " با خشن ترین وجهی سرکوب گرداند . همانطوری که تا کنون چنین بوده و از این پس نیز چنین خواهد بود .

بنظر شما آیا عقلانی نیست بدلائل اصولی ذکر شده در فوق با برسمیت شناختن این " حق " مورد تائید ملل و دول و با تکیه بر تحقق خواسته های دمکراتیک مردم که نمی تواند از مبارزه علیه امپریالیسم جدا باشد ، رژیم را خلع سلاح تبلیغاتی نمائیم که طبعاً گسترش دامنه هرچه بیشتر جنبش های حق طلبانه و آزادیخواهانه مردم را بدنبال خواهد داشت و بدین ترتیب فرا رسیدن روز سرنگونی آنرا کوتاهتر می نماید ؟؟؟!!!

آیا در این صورت علمی نیست که با برسمیت شناختن حق مورد تائید ملل و دولی که حاصل دستاورد مبارزات بشریت مترقی است ، با تکیه و یا فشاری هرچه بیشتر بر شعار انساندوستانه میلیاردها مردم صلح دوست که خواهان " خلع سلاح اتمی تمام جهان " ( **چراکه سلاح اتمی موجود تهدید واقعی برای صلح جهانی است** ) می باشند برخورداری از فناوری هسته ای بمثابه انرژی پاک را " حق " تمامی ممالک جهان بدانیم ، تا از این طریق منطقی هم بتوانیم مانعی از امیال های شیطانی رژیم گردیم و هم نه تنها در همدلی با امپریالیستها بلکه با تکیه بر شعار انساندوستانه "خلع سلاح اتمی تمام جهان" در بسیج هرچه با شکوه تر مردم جهان گام موثرتری برداریم ؟

سوماً حتی اگر رژیم قادر باشد به بمب اتمی هم دسترسی پیدا کند ، چگونه امکان خواهد داشت در برابر هزاران بمب اتمی- هیدروژنی- شمیایی- میکروبی- خوشه ای مینیاتوری- موشکهای بالتیک قاره پیما امپریالیستها ، مقابله نماید ؟ با توجه به این امر که توان نظامی رژیم با قدرت نظامی امپریالیستها به هیچ عنوان قابل مقایسه نیست . با توجه به این که بمب اتم مصرف داخلی ندارد . با توجه به این امر مارکسیستی ؛ که امپریالیستها با مخوفترین سلاحهای کشتار جمعی خویش بازندگان

اصلی نبرد می باشند ، که برندگان اصلی این نبردها توده ها هستند ، که تجربه جنگهای بربرمنشانه امپریالیستها در شوروی- چین- ویتنام- لبنان- عراق و ... اثباتگر این اصل مارکسیستی می باشد . بنابراین دستیابی رژیم به بمب اتمی هرگز نمی تواند نه تهدیدی بالاتر از بمب اتمی حی و حاضر امپریالیستها باشد و نه می تواند بمثابه سلاح سرکوب علیه جنبش های رهائی بخش زحمتکشان ایران بکار گرفته شود .

نتیجه این که ؛ " حق " استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای حق مسلم تمامی دول صرف نظر از ماهیت آنان می باشد .

نتیجه این که ؛ با مجاز دانستن این " حق " برای تمامی ممالک بتوانیم با بسیج مردم جهان دستان قدرمنشانه امپریالیسم و بویژه ابر جنایتکار خون آشام آمریکا را از سرنوشت بشریت کوتاه گردانیم و یا لاقط نگذاریم جهان شاهد عراقی دیگر در ایران باشد .

نتیجه این که ؛ دستیابی به انرژی هسته ای برای کشور ایران که سرشار از منابع اورنیوم می باشد ، امری است در خدمت پیشرفت جامعه- سعادت و رفاه بیشتر انسانها- و نمی تواند در مسیر خود کفائی جامعه و کسست از زنجیر وابستگی امپریالیسم منجر نگردد .

نتیجه این که ؛ امپریالیسم آمریکا در راستای سلطه گری اش بر جهان و بویژه بر منطقه سوق الجیشی خاور میانه ، حتی اگر بمب اتمی هم در کار نباشد ، چون عراق بهانه ی دیگری از انبان توطئه گری خویش بیرون خواهد کشید و جهت منافع اش از هیچ جنایتی دریغ نخواهد ورزید .

نتیجه این که ؛ عملکرد انحصارات امپریالیستی و بویژه انحصارات آمریکائی در جهان تداعی کننده : جنگ و خونریزی- کشتار و ویرانی- اسارات و شکنجه- قتل عام و مجروح و معلول نمودن صدها هزاران تن از انسانها- نابودی ساختارهای زیربنائی- نا امنی و هرج و مرج غیر قابل کنترل- از هم پاشیدگی شریان حیاتی کشور- و بیک کلام نام امپریالیسم آمریکا تداعی کننده سیاهی و تباهی است که جهان را فرا گرفته است . هرگونه توهم به ماهیت این هیولای درنده وحشی عواقبی بمراتب سهمگین تر از عراق نصیب ما خواهد نمود . با برخوردهای " چپ روانه " نباید به تقویت اهرم استعماری این هیولای زشت سیرت دامن زد .

نتیجه این که ؛ سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران جز توسط نیروی مردم و بویژه زحمتکشان ایران امکان پذیر نخواهد بود . آزادی و استقلال ایران شکوفان و پیشرفته بدون مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم مقدور نخواهد بود .

احداث نیروگاه هسته ای یک حق دمکراتیک و طبیعی مردم ایران است و ربطی به ماهیت سیاسی رژیم حاکم بر ایران ندارد . مرعوب تبلیغات امپریالیستی شدن و انکار این حق برآورنده یک نیروی واقعین و انقلابی نمی باشد .

بهمن ادیب 2006/12/13